

## مبارزه با "اسلام سیاسی"

"بنظر من آمریکا وارد جدال با اسلام سیاسی شده است. این یک جنگ قدرت است. این کشمکش منطقاً به تضعیف اسلام سیاسی منجر می‌شود.

... جنگ در افغانستان بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی است" (نقل از گفتار منصور حکمت در انترناسیونال هفتگی ۲۰ مهر ۱۳۸۰)

"جنگ افغانستان، جنگ آمریکا و ائتلاف وسیعی از کشورهای مختلف جهان بود که با هدف سرنگونی طالبان، یعنی یکی از کانونهای قدرت اسلام سیاسی در منطقه و جهان صورت گرفت. سرنگونی طالبان و اسلام سیاسی در این جنگ هم برای مردم افغانستان و هم برای مردم نطقه و جهان امری مثبت بود." (نقل از مصاحبه با آقای کورش مدرسی دبیرکل حزبیک کمونیست کارگری ایران در انترناسیونال هفتگی تحت عنوان حمله آمریکا و استراتژی جدید اعمال قدرتی در جهان).

تئوری رهبر گمراه حزب کمونیست کارگری ایران آقای منصور حکمت را بخاطر می‌آورید؟ وی پس از اقدام تروریستی تخریب برجهای دو قلوی نیویورک توسط القاعده خصلت جهان کنونی را چنین ارزیابی کردند که گویا بود و نبود جهان وابسته به مبارزه علیه "اسلام سیاسی" است. سعادت بشریت از مجرای این مبارزه می‌گذرد. پس از این تفسیر غیر طبقاتی و ژورنالیستی که بنفع صهیونیستهای اسرائیلی برای در یوزگی مالی و سیاسی انجام می‌شد مدعی شدند که ایالات متحده آمریکا و نه امپریالیسم متجاوز و جناپتکار آمریکا رسالت مبارزه با "اسلام سیاسی" را بعهده گرفته و این جنگ میان تمدن و توحش است که ماهیت دوران کنونی را تعیین می‌کند.

بر اساس همین تئوری صهیونیستی - امپریالیستی تئوریسین بزرگ این جریان که مشفق را در میان پروفیسورهای انگلیسی دوران تحصیلش در لندن خوب یاد گرفته بود تجاوز جناپتکارانه دولت آمریکا و نه امپریالیسم آمریکا به افغانستان برای نجات جهان و برای نجات بشریت، مثبت و در خدمت سرکوب اسلام سیاسی بوده است.

اکنونیست ضد کمونیست و رهبر بزرگ این حزب علنی و پوپولیستی با جدا کردن مبارزه ضد مذهبی از مبارزه طبقاتی و با منحصر کردن مبارزه ضد مذهبی با مبارزه علیه مذهب اسلام کارش به آنجا رسید که در دست اندازهای قندهار و کندوس و هرات خرش به گل نشست.

حامد کرزای این دست نشانده کمپانیهای نفتی آمریکائی که به حق لقب شهردار کابل را به یدک می‌کشد و بدون پاسدارهای آمریکائیش نمی‌تواند از قصرش بیرون رود. پس از سالها یقه‌درانی برای تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا در افغانستان و آسیای میانه آنهم برای امنیت انتقال لوله‌های نفت آسیای میانه به بازار نفت، سرانجام وحی بر ایشان نازل شد که حق با اسلام عزیز است و باید نام حکومت آمریکائیش را جمهوری اسلامی افغانستان بگذارد. رهبر گمراه حزب کمونیست کارگری ایران زنده نیست تا نتایج وخیم تئوریهای انحرافی خویش را که زندگی صدها نفر را بر باد داده با چشم خود ببیند. ولی پیروانش شاهند که امپریالیسم آمریکا مخالف "اسلام سیاسی" نبوده و نیست و نمی‌تواند باشد. مذهب همواره افیون توده‌ها بوده و خواهد ماند و امپریالیسم بهترین متحد آن در تحلیل نهائی است. حال امپریالیسم "اسلام سیاسی" آقای حامد کرزای را در مقابل "اسلام سیاسی" آقای اسامه بن لادن قرار داده است و تا بتواند از اسلام سیاسی نوع آمریکائی حمایت کند. هم اکنون سلطنت طالبان که حزبیک مذکور متحد بزرگ آنهاست در پی همکاری با نوه آیت‌الله خمینی هستند تا بیاری مذهب اسلام و اسلام پناهی در میان قشری از مردم پا بگیرند. پس می‌بینیم که ارتجاع همواره به تکیه گاه مذهب برای خلع سلاح روانی زحمتکشان نیاز دارد. "اسلام امپریالیستی" نیز "اسلام سیاسی" است فقط هدف سیاسی که رهنمای آن است تغییر کرده است. مهم آن است که ماهیت این سیاست چگونه سیاسی است. اسلام و هر مذهب دیگری هرگز بخاطر ماهیت مذهبی، ضد علمی، عقب مانده و حامی بهره‌کشی از انسان نمی‌تواند در دوران کنونی متریقی باشد.

حال خبرگزارها خبر می‌دهند که طرح پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تدوین شده و منتشر گردیده است. آقای حامد کرزای و ائتلاف شمال هر دو خواهان جمهوری اسلامی افغانستان هستند.

مگر قرار نبود که آمریکا بیها دموکراسی را در افغانستان برقرار کند؟

مگر قرار نبود که سلطه اسلام سیاسی را در افغانستان از بین ببرند؟  
 مگر قرار نبود پوشاک تحمیلی را براندازند؟  
 مگر قرار نبود حقوق زن و مرد را مساوی کنند؟  
 مگر قرار نبود که تروریسم تضعیف شود؟  
 مگر قرار نبود پیکره‌های جامعه مدنی جای حقوق فقه‌ای را بگیرند و قوانین شرعی با عرفی عوض شوند، قوه قضاییه مستقل از فقه اسلامی بوجود آید؟  
 مگر قرار نبود سیل تمدن به جای بربریت اسلامی به افغانستان سرازیر شود؟  
 پس کجایند آن وعده و وعیدهای صهیونیستها، امپریالیستها و خزیک کمونیست کارگری ایران که برایشان تئوری درست می‌کرد تا کالای بنجل "اسلام سیاسی" آمریکائی را بجای "اسلام سیاسی" طالبانی بنشانند؟  
 کجاست آن تساوی حقوق زن و مرد که با اخراج وزرای زن خاتمه یافت؟  
 کجاست آن دادگستری عرفی که باید جای قضاوت آخوندها را می‌گرفت؟  
 کجاست آن دموکراسی و حق انتخاب آزاد مردم که باید جای دیکتاتوری طالبان مستقر می‌شد؟  
 کجاست آن وعده‌های پوچ در مورد جنگ افغانستان که باید به تضعیف تروریسم اسلامی منجر می‌گردید؟  
 کجاست آن مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر و کشت خشخاش در افغانستان؟  
 معلوم شد قاچاق مواد مخدر بشیوه امپریالیستی متمدنانه است و به هروئین بدل می‌شود ولی قاچاق تریاک به شیوه عقب مانده منحصر به "اسلام سیاسی" است و متمدنانه نیست.  
 به این جمله بی سر و ته غیر طبقاتی رهبر گمراه این حزب دقت کنید: "جنگ در افغانستان بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی است".

آیا چنین داوری با مارکسیسم لنینیسم نسبتی دارد؟ هرگز!

هم اکنون امپریالیسم آمریکا تعریفش را به آقای منصور حکمت که دیگر در قید حیات نیست دو دستی تقدیم می‌کند. اسلام کرزای آنهم بطور قانونی و مدون در قانون اساسی افغانستان که سیاسی و قانونی است جای اسلام غیر قانونی طالبان را که تا زمانیکه به نفع آمریکا بود خیلی هم قانونی بود، می‌گیرد. آیا واقعاً ماهیت جنگ افغانستان را می‌شود چنین مبتدل و غیر طبقاتی با پرگونی ژورنالیستی تعریف و جایگزین درک طبقاتی از مذهب و جنگ کرد؟  
 اعضاء هواداران این حزب با تجاوز امپریالیستها به افغانستان هلله کردند و برای امپریالیستها متمدن و مدرن کف زدند و افکار مردم را به گمراهی بردند تا تضمینی برای منابع مالی آنها باشد که تا با امروز نیز حاضر نیستند مدارک این وابستگی مالی را به اجانب در خدمت شفافیت سیاسی روکنند. این است که این حزب که در خدمت صهیونیسم و امپریالیسم گام بر می‌دارد و خوب است که پیروان آنها قبل از اینکه باران فاجعه زندگیشان را درهم شکنند بخود آیند و از این لانه آلوده فاصله بگیرند. ادامه این روند فرزندان حرامزاده دیگری نیز (با عرض معذرت از مدرنیستهای این حزب-توفان) به بار می‌آورد که فرجام خوشی نخواهد داشت.

**حزب کار ایران (توفان)**

نشانی در اینترنت [www.toufan.org](http://www.toufan.org) نشانی پست الکترونیکی [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵۸۰۳۴۶